

## اخلاق ورزش و مسئله دوپینگ با تأکید بر آموزه‌های اسلامی

یدالله حاجی‌زاده\*

### چکیده

مسئله «دوپینگ» یا استفاده از مواد و روش‌های نادرستِ نیروزا یکی از چالشی‌ترین مباحث اخلاق ورزش است. در مقاله پیش‌رو به‌منظور دستیابی به نتیجه‌ای معتبر، ادله موافقان و مخالفان دوپینگ از سایت‌های اینترنتی، مقالات مختلف و منابع اسلامی جمع‌آوری و ارزیابی شده‌اند. برآیند این سنجش آن است که ادله موافقان دوپینگ، با وجود تأملی که در ذهن ایجاد می‌کنند، نمی‌توانند در برابر ادله مخالفان مقاومت کنند. دوپینگ از دیدگاه اخلاق کاربردی و از منظر اسلام، روشی نادرست برای افزایش کارایی ورزشکاران است. دیدگاه اخلاقی اسلام را می‌توان با توجه به منابع اسلامی و براساس اصول مشخص تصویر نمود که این مقاله عهده‌دار آن است.

### واژگان کلیدی

اسلام، اخلاق کاربردی، دوپینگ، مواد نیروزا، ورزش، ورزشکاران.

### طرح مسئله

ورزش از جنبه‌های مختلفی، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و در مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بسیاری از مردم را به شیوه‌های گوناگون درگیر خود ساخته است. در بحث اخلاق کاربردی، یکی از مباحث بسیار مهم «اخلاق ورزش» است. در این مقوله، موضوعات مختلفی ارزیابی می‌شوند، یکی از موضوعات چالشی، «دوپینگ» یا استفاده از موارد و روش‌های نادرستِ نیروزا می‌باشد. امروزه علاوه بر دوپینگ دارویی، دوپینگ ژنتیکی و خونی نیز مطرح شده‌اند و استفاده از «دوپینگ»

hajizadeh30@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۰

\*. دانشجوی دوره دکتری تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم.

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۸

به نحو فزاینده‌ای، افراد، سازمان‌ها، کشورها و مجامع ورزشی را درگیر خویش ساخته است. هدف از مقاله پیش‌رو، بررسی این موضوعات از منظر اخلاقی و اسلامی می‌باشد. با توجه به مطرح نشدن این بحث در بسیاری از منابع اخلاق کاربردی، علاوه بر توجه به مقالات، با استفاده از مبانی اسلامی و برخی از مفاهیم اخلاقی، مثل اصل «حرمت اضرار به نفس»، اصل «حرمت غش و فریب» و اصولی مشابه و مبانی دیگری همچون غایت ورزش در اسلام و ابزار بودن ورزش جهت تعالی انسان مورد توجه قرار گرفته است. ما در این مقاله با طرح پیشینه این مسئله، رویکردهای دینی را در این خصوص بررسی خواهیم کرد.

### تعریف و ماهیت ورزش

از آنجا که مسئله دوپینگ با ورزش به‌ویژه با ورزش قهرمانی گره خورده است، به ماهیت و تعریف ورزش می‌پردازیم. ضمن اینکه لازم است در بحث «اخلاق ورزش» نیز به ماهیت ورزش توجه کنیم و دیدگاه‌های مختلفی که در این زمینه وجود دارد، خصوصاً دیدگاه اسلام را تبیین کنیم. بدون شک این مباحث ما را در یافتن نتیجه‌ای بهتر یاری خواهد کرد. در این زمینه ابتدا مقوله «ورزش» را تعریف می‌کنیم و سپس ماهیت ورزش را از دیدگاه‌های مختلف تبیین می‌نماییم.

ورزش از نظر لغوی به معنای عمل، شغل، سعی و کوشش، فایده، تمرین و مشق، حاصل و منفعت و ... آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۴ / ۲۰۴۷۶) این لغت فارسی از نظر دستوری، «اسم مصدر» از فعل «ورزیدن» است که بیشتر به معنای عمل کردن، کار کردن، ممارست کردن، حاصل کردن، اندوختن، کِشتن، عادت نمودن، ریاضت کشیدن و ... به کار می‌رود. (همان: ۲۰۴۷۸؛ آذربانی و کلاتری، ۱۳۸۸: ۴) در اصطلاح، ورزش «مجموعه‌ای از فعالیت‌های حرکتی و تکنیکی سازمان‌یافته و هدفمندی است که در جهت حفظ و تأمین سلامتی و افزایش قابلیت‌های جسمانی مورد توجه است و دارای قوانین و مقررات خاص بوده، می‌تواند همراه با رقابت، مسابقه و برد و باخت باشد.» (بهار، ۱۳۸۴: ۲۰)

برخی نیز ورزش را «آن دسته از فعالیت‌ها یا مهارت‌های عادی جسمانی دانسته‌اند که بر پایه یک رشته قوانین همگانی به هدف تفریح، مسابقه، نشاط شخصی، دستیابی به ورزیدگی، مهارت‌جویی یا آمیزه‌ای از این اهداف صورت می‌گیرد.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۱۸ - ۴۱۷)

در این تعاریف بیشتر بر هدف از ورزش، یعنی کسب سلامتی جسمی یا افزایش توانایی‌های جسمی تأکید شده است.

در فرهنگ معین نیز ورزش «اجرای مرتب تمرین‌های بدنی به منظور تکمیل قوای جسمی و روحی» تعریف شده است. (معین، ۱۳۴۲: ۱۰۶۷)

این تعریف به دیدگاهی که در آینده در خصوص ماهیت «ورزش در اسلام» ارائه می‌شود، نزدیک‌تر است. با پیش آمدن فضای رقابت و ورود ورزش قهرمانی برای کسب مقام، روند ورزش به سوی اهداف دیگری غیر از سلامتی جسمانی سوق یافت که از این منظر، چالش‌هایی اخلاقی مثل دوپینگ را به صحنه ورزش کشاند. از این جهت در تعریف ورزش تغییراتی صورت گرفت؛ چنان که جان بوکسیل چهار ویژگی را برای ورزش ایدئال مطرح می‌کند: ۱. اختیاری و گزینشی؛ ۲. قاعده‌مندی؛ ۳. مبارزه فیزیکی و جسمانی؛ ۴. رقابتی و برتری‌جویانه. وی معتقد است اگر هدف ورزش، سلامتی یا انضباط باشد، فعالیت ورزشی به سرعت به چیزی شبیه کار و فعالیت‌های روزمره انحطاط می‌یابد و بهتر است این نوع فعالیت‌ها را به دلیل اینکه لذت فی‌نفسه ندارند، تمرین<sup>۱</sup> بنامیم، نه ورزش. در بحث قاعده‌مند بودن، جان بوکسیل دو دسته قواعد را مهم می‌شمارد: ۱. قواعد نزاکت و بازی منصفانه؛ ۲. قواعد تأسیسی.

نمونه دسته اول این است که در بازی فوتبال نباید از پشت تکل رفت. در صورت عدم رعایت این دسته از قواعد، بازیکن جریمه می‌شود. قواعد تأسیسی نیز آنهایی هستند که از تیم‌ها و حرکت‌های مجاز دفاع می‌کنند. این قوانین در مجموع ایجاد انضباط می‌کنند و چارچوبی برای ابتکار، خودنمایی و خودشکوفایی فراهم می‌کنند. از نظر بوکسیل، ورزش توأم با مبارزه فیزیکی است و این ویژگی، ورزش را از بازی‌های فکری و رایانه‌ای جدا می‌سازد. بنابراین شطرنج هر چند قاعده‌مند است، صلاحیت ورزش بودن را ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۲۳ - ۴۲۰)

از نگاه ایشان، ورزش باید مستلزم رقابت باشد و در همین رقابت است که مهارت‌های جسمی و روحی، توانایی‌ها و هماهنگی‌ها با هم جمع می‌شوند و این مسئله موجب رشد جسمی و روحی ورزشکار می‌گردد.<sup>۲</sup> (همان: ۴۲۴)

در این نگاه، «بردن به هر قیمت» از ویژگی‌های اصیل رقابت ورزشی به حساب نمی‌آید. اگر هدف فقط بردن بود، افراد با انتخاب رقبای ضعیف به مراد خویش می‌رسیدند؛ ولی عموم افراد ترجیح می‌دهند در برابر رقبای قوی حذف شوند تا در مقابل افراد ضعیف پیروز گردند. عبارت «پیروزی مسخره» نیز در این موارد به کار می‌رود.<sup>۳</sup> (همان: ۴۲۵)

در مقابل دیدگاه جان بوکسیل، برخی از صاحب‌نظران «بردن شرافت‌مندانه و جوانمردانه» را از اجزای

#### 1. Exercise.

۲. بوکسیل می‌گوید: «همه ورزش‌ها (همواره) مستلزم رقابت فردبه‌فرد یا تیمی نیست. در برخی از ورزش‌ها ممکن است رقابت و مبارزه با طبیعت باشد، مثل کوه‌نوردی.» (همان: ۴۲۴)

۳. در سال ۱۹۹۳ رولند تورنکوئیست به مخالفت با رأی داور که به نفع او صادر شده بود، برخاست و در بیان علت این کار گفت: «ترجیح می‌دهم از مسابقه حذف شوم؛ ولی ورزش خوبی داشته باشم تا اینکه فریب‌کاری کنم و مسابقه را ببرم.» (همان: ۴۲۶ - ۴۲۵)

ماهوی ورزش می‌دانند و هدف از ورزش را تقویت روحیه جوانمردی و انتشار بذر معنویت و برادری در جهان می‌دانند. (همان: ۴۲۶)

نگاه آقای بوکسیل به ورزش، عدالت‌محورانه و توأم با اخلاق حداقلی بود؛ درحالی‌که باید به ورزش با نگاهی جوانمردانه نگریست؛ زیرا عدالت شرط لازم برای ورزش اخلاقی است، نه شرط کافی و نگاه عدالت‌محورانه تنها ما را متوجه الزامات اخلاقی حداقلی می‌کند، نه بیشتر. (همان: ۴۲۶)

این دیدگاه (دوم) مدعی است: جوانمردی در ورزش باید موجب رفتارهایی گردد که به خیر و رفاه دیگران منتهی شود. در این نگاه، قلمرو اخلاق اعم از رفتارهای الزامی و ستودنی است. «در ورزش یک رفتار به دو شیوه فراتر از وظیفه می‌باشد؛ یکی از این طریق که کاری را خارج از علاقه به دیگری یا با مقداری در معرض خطر کردن یا فداکاری انجام دهد، مانند دوندۀ ماراتنی که به دلیل کمک به دونده ممنوع از دویدن باز می‌ایستد. دیگر از این طریق که رفتاری برای (به جهت) علاقه به دیگری انجام دهد؛ به طوری که این کار خیر بیشتری برساند تا رفتار مطابق قواعد و وظیفه<sup>۱</sup>».

شاید نزدیک به همین ایده، دیدگاهی باشد که ماهیت ورزش را چیزی فراتر از تبعیت از قوانین می‌داند؛ دیدگاهی که ماهیت ورزش را رقابتی منصفانه با هدف پرورش فضائل می‌داند. (ندایی و علوی، بی‌تا: ۱۹۴ - ۱۹۳) برخلاف رویکرد جان بوکسیل که قانون‌محور بود، این دیدگاه بر رشد درونی تکیه دارد و در آن پرورش فضائلی مثل صداقت، شجاعت و انصاف مطرح است. (همان: ۱۹۴ - ۱۹۳) در این صورت، ورزش را بر حسب منش اخلاقی یا انسانی در نظر می‌گیریم. مطابق این دیدگاه، مجموعه‌ای از فضائل و اوصاف و افعال قابل تحسین وجود دارد که با ورزش ارتباط داشته، در فعالیت‌های ورزشی بیشتر کاربرد دارد. شیلدز و بردمیر چهار عنصر دلسوزی، انصاف، جوانمردی و شرافت را فضائل برشمرده‌اند که از طریق برنامه‌های ورزشی قابل آموزش هستند. (Bredemeier And Shields, 1984: 348)

### ماهیت ورزش در اسلام

با توجه به دیدگاه‌های مطرح‌شده که اغلب ورزش را با اخلاق توأم دانسته و روح ورزش را اخلاق تلقی کرده‌اند، باید دیدگاه اسلام را نیز در همین زمینه جستجو کرد. البته جدای از اینکه رویکرد ورزش در جهان کنونی به آنچه به عنوان پرورش‌دهنده فضائل انسانی و ابزاری برای تمرین جوانمردی و انصاف تلقی می‌شود، بی‌شبهت است، در نگاه اسلام این ویژگی‌های روی دیگری دارد. اهداف ورزش در اسلام می‌توانند تا حدودی بیانگر ماهیت ورزش در این دین باشند. به اعتقاد برخی:

1. Respect for rols.

اسلام برخلاف برخی ادیان دیگر، هیچ‌گونه تعارضی یا اختلافی با ورزش نداشته؛ بلکه در اغلب اعصار اسلامی، ورزش یکی از فعالیت‌های برجسته انسانی و فرهنگی در میان مسلمانان به‌شمار می‌رفته است و ورزش همواره مورد تأیید پیشوایان و علمای دین بوده است. (خولی، ۱۳۸۱: ۱۶۹)

این دیدگاه هرچند صورتی کلی و بدون ضابطه از ماهیت ورزش در دین ارائه می‌دهد، براساس برخی آموزه‌های دینی شاید بتوان صورتی نیمه‌جان از ورزش در دیدگاه اسلام ارائه داد. تأکید قرآن بر توانایی‌های جسمانی فرمانده و رهبر،<sup>۱</sup> عدم مخالفت حضرت یعقوب علیه السلام با ورزش و بازی فرزندان،<sup>۲</sup> تأکید یکی از دختران شعیب بر قوت و امانت حضرت موسی علیه السلام به‌عنوان دو جنبه مثبت در او<sup>۳</sup> و احادیث بسیار زیاد در مورد ورزش‌های گوناگون از جمله اسب‌سواری، تیراندازی و شنا<sup>۴</sup> و همچنین تأکید رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حق جسم در کنار حق خداوند،<sup>۵</sup> همگی نشان‌دهنده نگاه مثبت دین به مقوله ورزش می‌باشند. اینکه آیا می‌توان از این مقولات، ماهیتی شبیه آن چیزی که امروزه به‌عنوان ورزش تلقی می‌شود دست داد یا خیر، محل تأمل است؛ ولی در هر صورت، اسلام برای فعالیت‌های فیزیکی جهت‌دار و هدفمند، اهدافی را ترسیم نموده است.

#### ۱. پرورش جسم و روح

اسلام در ردای مکتبی میانه، برخلاف برخی از مکاتب دنیا<sup>۶</sup> تأکید دارد که جسم و روح باید همراه هم پرورش یابند. حضرت علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «اگر می‌خواهی قوی باشی، در مسیر اطاعت الهی قوی باش و اگر می‌خواهی ضعیف باشی، در انجام گناهان ضعیف باش.»<sup>۷</sup> در دعای روز چهارم ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: «خدا مرا در این روز (یا در این ماه)، در برپا داشتن فرمان خویش نیرو ببخش.»<sup>۸</sup>

۱. إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ سِبْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ أَلْجَسَمِ. (بقره / ۲۴۷)

۲. أَرْسِلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَ يَلْعَبُ وَ إِذَا لَهُ لَحَافِظُونَ. (يوسف / ۱۲)

۳. يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ. (قصص / ۲۶)

۴. به این احادیث در مباحث بعدی اشاره خواهد شد.

۵. إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا إِنَّ لِحَسْبِكَ عَلَيْكَ حَقًّا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۱۲۸)

۶. وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا. (بقره / ۱۴۳)

۷. در هندوستان مرتاض‌ها کارهایی می‌کنند که جسمشان را ضعیف کرده، روح را پرورش می‌دهند و برعکس در دنیای غرب بیشتر بر تقویت جسم تأکید شده است و زندگی در جسم و لذات جسمانی خلاصه می‌شود.

۸. اِذَا قُوِيَ فَاقُوْهُ عَلٰى طَاعَةِ اللّٰهِ وَ اِذَا اَضْعَفْتَ فَاَضْعَفْ عَنِ مَعْصِيَةِ اللّٰهِ. (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: حکمت ۳۸۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۳ / ۵۵۶)

۹. اللهم قوني فيه إقامة امرک. (مفاتیح‌الجنان، دعای روز چارم ماه مبارک رمضان؛ کفعمی، ۱۴۰۳: ۶۱۳)

در روایتی رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مؤمن قوی، بهتر و دوست‌داشتنی‌تر از مؤمن ضعیف است.»<sup>۱</sup> ذکر صفت «مؤمن» نشانگر این است که اسلام، قوت و نیرومندی را در کنار ایمان خواستار است. بزرگان ما نیز پرورش جسمی و روحی را در کنار هم ضروری دانسته‌اند.<sup>۲</sup> اسلام نسبت به تلقی‌ای که زورمندی و توانمندی و قدرت جسمانی را هدف و مایه تفاخر - آن‌چنان‌که در برخی از اهل ورزش مشاهده می‌گردد - قرار داده است، رویکردی انتقادی دارد و مهم‌ترین پیروزی را غلبه بر هوای دل و نفس اماره می‌داند.<sup>۳</sup>

## ۲. هدفمندی در کسب قدرت و نیرو

یکی دیگر از اهداف ورزش در اسلام، کسب قوت و توان در جهت اهداف خاص انسانی و اسلامی؛ از جمله اهداف نظامی و دفاعی می‌باشد:

از متون فقهی و منابع موثق تاریخی برمی‌آید که کارکرد نظامی از اولویت‌های مهم برای ورزش محسوب می‌شود و به سبب کاربرد در روحیه جنگاوری، شجاعت، شهامت و نیز لزوم آمادگی قوای جسمانی و قدرت بدنی و چالاکي و سرعت در برخورد با دشمنان، به این بعد از ورزش توجه کافی مبذول شده است؛ به‌گونه‌ای که در تاریخ اسلام نوع ورزش‌های موجود، از روی کاربرد نظامی آنها در میدان جنگ تعیین می‌شده است. (آقاپور، ۱۳۶۸: ۱۵۲ - ۱۵۱)

جهت دیگری که در کسب قدرت در اسلام پسندیده است، دستگیری از ناتوانان و ستم‌دیدگان می‌باشد. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

زکات مال و مقام و قوت بدنی خویش را بپردازید ... با قوت خویش به یاری برادر دینی خویش که الاغ او در بیابان از پای درآمده و سقوط کرده است و او کمک می‌طلبد و کسی به یاری‌اش نمی‌شتابد، بشتاب و به او کمک کن تا کالایش را بر مرکبش بار کند و بر آن سوار شود و یاری‌اش کن تا به قافله‌اش برسد.<sup>۴</sup>

۱. المؤمن القوي خير وأحب إلى الله من المؤمن الضعيف. (ابن‌حبان، ۱۴۱۴: ۲۸)

۲. امام خمینی ره خطاب به ورزشکاران فرمودند: «همان طوری که با ورزش قوت جسمانی خودتان را تقویت می‌کنید، قوای روحانیتان را هم تهیه و تقویت کنید.» (۱۳۸۶: ۸ / ۳۸۴) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌فرماید: «اگر در یک جمله کوتاه از من بپرسند که شما از جوان چه می‌خواهید، به او خواهیم گفت: تحصیل، تهذیب و ورزش.» (رهبر معظم انقلاب در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانش آموزان، ۲۴ اردیبهشت، ۱۳۸۶)

۳. در روایتی مشهور از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «أشجع الناس من غلب هواه.» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۲۱۲)

۴. و اتوا الزكوة أي من المال و الجاه و قوة البدن ... و بالقوة معونة أخ لك قد سقط حماره و ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱ / ۲۲۹ - ۲۲۸)

در این حدیث، امام حسن عسکری علیه السلام با ذکر یک مثال، یاری به درمانده را یکی از فواید داشتن قدرت بدنی مطرح کرده است. در دعای کمیل نیز آمده است: «خدایا اعضا و جوارح من را برای خدمت در راه خویش نیرو بخش.»<sup>۱</sup> از نگاه اسلام، شجاع‌ترین و قوی‌ترین انسان‌ها کسی است که بر هوای نفسانی خویش غلبه کرده است<sup>۲</sup> و عفو را هنگام غلبه بر خصم، شکرانه پیروزی خود که خدا به او عطا کرده، قرار دهد.<sup>۳</sup>

با توجه به اینکه در اسلام زورگویی و غصب حقوق دیگران ناپسند و حرام است، (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۱۳) ورزش کردن هم با چنین اهدافی، ناپسند و مذموم و حرام محسوب می‌شود. همچنین هدف از ورزش در اسلام، رسیدن به شهرت و مقام نیست؛ چراکه خودپسندی و عجب مذموم است.<sup>۴</sup> بنابراین ورزشکار مسلمان هیچ‌گاه به فکر کسب مقامات دنیوی نیست تا برای رسیدن به چنین آرمان‌هایی به هر شیوه‌ای دست بزند و بخواهد از راه‌های مشروع و غیر مشروع به اهداف خویش دست یابد. از دیگر اهداف ورزش در دین اسلام می‌توان به تفریح و پرکردن اوقات فراغت و کسب خصائص پسندیده اشاره کرد.

آئین جوانمردی و فتوت به‌همراه توانایی بالای جسمی، جزئی از آئین ورزش در اسلام محسوب می‌شوند (آقاپور، ۱۳۶۸: ۱۴۹) و بزرگان ما در این زمینه کتاب نیز نوشته‌اند. (سرلک و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۰) در مجموع می‌توان گفت نگاه اسلام به ورزش - البته نه به معنای مصطلح آن - نگاهی ابزارانگارانه می‌باشد که در آن ورزش دارای جهتی مشخص است. در ورزش است که اخلاق درون شخص ظهور و بروز می‌یابد و انسان به‌لحاظ مسئولیتی اخلاقی که در قبال خود و دیگران دارد، ورزش را در جهت آن هدفمند می‌سازد، با قوت تن و کسب سلامتی به ایفای مسئولیت اخلاقی و در قالب حق خویشستن و حق نفس بدان می‌پردازد و در جهت خدمت به دیگران و جامعه، تن خود را قوی و نشاط روحی خود را فراهم می‌سازد.

## دوپینگ و انواع آن

دوپینگ در یک تقسیم‌بندی به دارویی، خونی و ژنی تقسیم می‌شود. در دوپینگ دارویی ورزشکار معمولاً از داروهای مخصوصی برای بالا بردن کارایی ورزشی خویش استفاده می‌کند. این داروها معمولاً در پنج

۱. قو علی خدمتک جوارحی. (مفاتیح‌الجنان، دعای کمیل؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱ ب: ۸۴۹)

۲. أَسْجَعِ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۱۱۱)

۳. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.» (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹: کلمات قصار، شماره ۱۱)

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الْعَجَبَ لِيَحْبِطَ عَمَلُ سَبْعِينَ سَنَةً؛ خُودِپَسَنَدِي عِبَادَتِ هَفْتَادِ سَالِ إِنْسَانٍ رَا نَابُودِ مِي كَنْد.» (متقی هندی، بی‌تا: ۳ / ۵۱۴)

گروه دارویی طبقه‌بندی می‌شوند. (سرلک و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۰) دوپینگ خونی، تزریق خون به یک فرد با سطح طبیعی گلبول قرمز در جهت افزایش هموگلوبین است. هدف از این کار، افزایش توانایی حمل اکسیژن در خون و در نهایت، افزایش قدرت استقامتی فرد می‌باشد. دوپینگ ژنی نیز استفاده غیر درمانی از سلول‌ها، ژن‌ها، اجزای ژنتیکی یا تعدیل ژن‌ها است که از طریق آنها ظرفیت ورزشکاران برای اجرای ورزشی افزایش می‌باشد.<sup>۱</sup> (فلاحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۵)

ژن درمانی به سه روش انجام می‌شود: الف) تزریق «دی ان ای»<sup>۲</sup> به‌طور مستقیم به بدن ورزشکار. متخصصان معتقدند تأثیر این روش کم است؛ ب) وارد کردن سلول دست‌کاری‌شده به بدن؛ یعنی در آزمایشگاه ابتدا ژن را وارد سلول می‌کنند، سپس سلول‌های تغییر یافته را وارد بدن می‌کنند؛ ج) وارد کردن «دی ان ای» به داخل سلول. در این روش «دی ان ای» با سوزن‌های ریز و مخصوص به داخل سلول منتقل می‌شود. (فلاحی و دیگران، بی‌تا: ۴۷)

### اخلاق و مسئله دوپینگ

در این بخش به مسئله دوپینگ و چالش‌های پیش‌روی آن در ورزش می‌پردازیم و ضمن گزارش مختصری از این چالش‌ها، به مبانی و رویکردهای اسلامی اشاره می‌کنیم تا براساس آن بتوان به حل این چالش‌ها و مواجهه درست با این مشکل اخلاقی پرداخت.

۱. هدف در ورزش قهرمانی، غلبه بر رقیبان و کسب رکوردهای بهتر است. از طرفی باید ورزشکاران به مسائل اخلاقی توجه داشته باشند و پیروزی آنها بدون تقلب باشد. در این صورت، آیا از نظر اخلاقی استفاده از مواد نیروزا و دوپینگ برای کسب این غلبه و برتری مجاز است؟

۲. ورزشکاران اعتقاد دارند استفاده از مواد نیروزا و استروئیدهای تقویتی به‌همراه تمرین، باعث ایجاد حجم زیاد در ماهیچه‌ها می‌شود و توان آنها بالا می‌رود. از طرفی ورزشکاری که از استروئیدهای تقویتی استفاده می‌کند، بر حریفان پیروز می‌شود. حال با توجه به این امر، آیا باید استفاده از این مواد ممنوع اعلام شود؟

۳. تکنولوژی دست‌کاری ژنی (تغییر دادن ژن‌ها) گاهی برای بهبود جراحات و درمان بیماری‌های خاص مؤثر است. از طرفی این امر ممکن است باعث افزایش قدرت ورزشکاران و در نتیجه غلبه آنان بر

۱. در سال ۹۶۴ مانترینتا (اسکی‌باز فنلاندی) توانست دو مدال طلا در بازی‌های اسکی المپیک اتریش را از آن خود کند. این موضوع توجه دانشمندان را به خود جلب کرد. کمی بعد مشخص شد او به‌طور طبیعی با جهش در ژن بیان‌کننده «اریترو پوئین» به دنیا آمده است. این ویژگی باعث شده بود گلبول‌های قرمز خونسش به میزان ۲۵ تا ۵۰ درصد بیش از ورزشکاران دیگر باشد و از این طریق، ظرفیت انتقال اکسیژن او نیز افزایش یابد. (همان: ۴۷)

2. D.N.A.



حریفان شود. با توجه به این امر، آیا باید دست‌کاری ژنی مطلقاً ممنوع اعلام شود؟ آیا باید استفاده از آن در ورزشکاران فقط برای بهبود از جراحت یا بیماری خاص مجاز باشد؟

۴. بدون شک ورزشکارانی که از نظر ژنتیکی تغییر یافته‌اند، قدرت و توان بسیار بالاتری نسبت به رقبای خود دارند. با توجه به این امر، آیا باید ورزشکاران تغییر یافته از نظر ژنتیکی را از شرکت در رقابت‌های ورزشی محروم کرد یا باید برای آنها مسابقات جداگانه‌ای ترتیب داد؟

۵. ژن‌های برخی از ورزشکاران با دخالت بشر تغییر کرده است؛ اما ممکن است ژن‌های برخی هم به صورت طبیعی تغییر کرده باشد و بشر در تغییر دادن آنها دخالتی نداشته باشد. آیا نباید بین ورزشکارانی که ژنتیک آنها به‌طور طبیعی تغییر کرده، با افرادی که ژن‌های آنها با دخالت بشر تغییر کرده، تفاوت قائل شد؟

۶. برخی از فعالیت‌های ورزشی مانند کوه‌نوردی و دوچرخه‌سواری گاه به صورت انفرادی انجام می‌شوند. آیا استفاده از مواد نیروزا در این ورزش‌ها از جهت اخلاقی نادرست است؟

۷. چای، قهوه و کوکاکولا حاوی ماده‌ای به نام «کافئین» هستند. حال با توجه به اینکه کافئین خستگی را تقلیل می‌دهد و تمرکز و هوشیاری فرد را افزایش می‌دهد، آیا استفاده از این مواد دوپینگ محسوب نمی‌شود؟

۸. در برخی از مسابقات ورزشی از حیوانات برای مسابقه استفاده می‌شود. استفاده از دوپینگ می‌تواند کارایی حیوان را به نحو قابل ملاحظه‌ای بالا ببرد و موجب برنده شدن صاحب حیوان شود. در این صورت، آیا می‌توان برای کارایی بهتر حیواناتی که در مسابقه از آنها استفاده می‌شود - مثلاً در مسابقات اسب‌سواری - به آنها داروهای نیروزا داد یا از روش‌های دیگر استفاده کرد؟

۹. امروزه مکمل‌های غذایی به صورت بسیار فراوان در دسترس ورزشکاران است. استفاده از این مکمل‌های غذایی توان ورزشکار را بالا می‌برد. آیا از نظر اخلاقی، استفاده از این مکمل‌ها جایز است؟ این سؤالات و چالش‌ها، ضرورت بحث‌های اخلاقی در این زمینه را اثبات می‌کند. در ادامه، دلایل موافقان دوپینگ و دیدگاه اسلام بررسی و سپس نتیجه‌گیری می‌شود.

#### ادله موافقان<sup>۱</sup>

۱. بسیاری از ورزش‌ها خطرناک هستند و گاهی خطراتی بیش از دوپینگ دارند. دلبلیو ام. براون می‌نویسد:

اگر خطرات استفاده از مواد نیروزا کاملاً هم ثابت شده باشند، اما بسیاری از فعالیت‌های ورزشی وجود دارند که خود برای سلامتی بسیار خطرناک هستند و باعث مصدومیت

---

۱. این ادله لزوماً از طرف موافقان دوپینگ مطرح نشده‌اند؛ بلکه گاهی مخالفان و به‌منظور پاسخ‌گویی به آنها به این ادله پرداخته‌اند.

می‌شوند و حتی در بعضی از ورزش‌ها چون اتومبیل‌رانی یا صخره‌نوردی، خطر مرگ نیز وجود دارد. پس اگر تهدید سلامتی، دلیل اصلی جلوگیری از مواد نیروزا است، با این حساب اکثر ورزش‌ها باید تعطیل شوند. (هایلند، ۱۳۸۶: ۱۶)

برخی ادعا می‌کنند نتایج تأثیرات نابهنجار دارو، به مراتب کمتر از صدمات جبران‌ناپذیر یا مهلکِ تمریناتِ صرف ورزشی است.

این امر فقط یک ادعا است؛ چراکه بسیاری از ورزش‌ها هیچ خطر جسمی برای ورزشکار ندارند. علاوه بر این، تنها خطرات جسمی، دلیل بر منع استفاده از دوپینگ نمی‌باشد.

۲. برخی معتقدند رقابت با دیگران چیزی کمتر از میدان جنگ نیست و در میدان جنگ برای غلبه بر حریفان باید از هر روشی استفاده کرد و در میدان مسابقه نیز باید از هر روشی برای پیروزی بر رقیبان بهره برد:

بسیاری اصرار دارند ورزش در دنیای امروز، نقش مبارزه را بر عهده دارد. میادین المپیک صحنه جنگ و کارزار است. بنابراین ممکن است که قوانین جنگ را به کار برده و هر چیزی که به سمت حمایت و پشتیبانی از پیروزی گام برمی‌دارد، مطلوب و پسندیده باشد. (میری، ۱۳۸۴)

گاهی چند سانتیمتر، چند کیلو، چند گرم و چند ثانیه اختلاف می‌تواند یکی را قهرمان و دیگری را مغلوب سازد. به همین جهت، شعار «پیروزی به هر قیمت» هدف ورزشکاران قرار می‌گیرد. (حبیبی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۲) براساس این شعار (پیروزی به هر قیمت)، «هدف در مسابقات ورزشی، رسیدن به پیروزی است و حریفان به‌عنوان دشمن هستند، فریب دادن آنها با استفاده از مواد نیروزا و دوپینگ کردن، مجاز است.» (ندایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

این دیدگاه شبیه همان ایده مشهوری است که «ماکیاولی» برای شهرباران مطرح کرده است که «هدف وسیله را توجیه می‌کند.» (ماکیاولی، ۱۳۷۵: ۱۱۱)

در پاسخ به این گروه باید متذکر شد که ورزش و رقابت‌های ورزشی را در هر سطحی نمی‌توان ذاتاً غیر اخلاقی دانست و نیازی نیست که به حریفان به چشم دشمن نگریسته شود. (ندایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۰۲) بوکس‌یل معتقد است: شکل ایدئال ورزش هر چند رقابتی باشد، می‌تواند به دوستی بینجامد؛ با این نگاه که «رقیب من تنها به‌عنوان یک مبارز به من نگاه می‌کند و قصد تخریب من را ندارد و من هم وی را دشمن خود تلقی نمی‌کنم.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۲۵ - ۴۲۴)

علاوه بر این در میدان جنگ (از منظر اخلاقی) نمی‌توان از هر روشی برای غلبه بر دشمن

بهره برد.<sup>۱</sup> یکی از اهداف برگزاری مسابقات حتی در عالی‌ترین سطح آن (مثل المپیک) ایجاد حس نوع‌دوستی و انس و الفت بین ورزشکاران و کشورها شمرده شده است.<sup>۲</sup> فلسفه «بردن به هر قیمت» از ویژگی‌های اصیل رقابت به حساب نمی‌آید (همان: ۴۲۵) و با روح ورزش سازگار نیست. علاوه بر این، استفاده از روش‌های نادرست دوپینگ، سبب نابودی ورزشکار از نظر جسمی نیز خواهد شد. از نظر اخلاقی هم شاید درست نباشد که فرد برای بهره گرفتن از ثمرات پیروزی به جسم خویش آسیب برساند.<sup>۳</sup> بسیاری از ورزشکاران معتقدند استفاده از مواد نیروزا حجم عضلات را بیشتر می‌کند و فرد قوی‌تر می‌شود. (رولر، ۱۳۸۶: ۴۳) براساس یک تحقیق که روی ورزشکاران پرورش اندام در شهرستان سبزوار انجام شده، بیشتر اندام‌پرورها معتقدند مکمل‌ها باعث حجیم‌تر شدن و قوی‌تر شدن عضلات می‌شوند (به ترتیب ۶۸/۶ و ۶۱/۷ درصد). بیشتر آنها معتقدند استفاده از این داروها باعث زیاتر شدن بدن می‌شود؛ ولی این مواد بدون تغذیه و ورزش صحیح قادر نیستند قدرت و اندازه عضلات را افزایش دهند (به ترتیب ۷۲/۳ و ۸۰/۴ درصد). (حامدی‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۱)

البته این مواد به صورت مقطعی ممکن است چنین فوایدی دربر داشته باشند؛ اما این در برابر مضرات استفاده از آنها که متخصصان بر آنها تأکید دارند، بسیار ناچیز است. علاوه بر این در خصوص مضرات استفاده از این مواد، استناد به ادعاهای ورزشکاران نمی‌تواند مورد پذیرش باشد و باید دید متخصصان و پزشکان درباره ضررهای استفاده از این مواد چه می‌گویند.

۴. استفاده از روش‌های دوپینگ برای درمان ورزشکاران یا کاهش دردهای ورزشی لازم است. این ادعا بیشتر در دوپینگ ژنتیکی مطرح است. موافقان این امر می‌گویند:

با روش‌های درمانی جدید سعی می‌شود فرآیند ترمیم را با فاکتورهای رشدی تسریع بخشند. یکی از این روش‌ها، ژن‌درمانی است که امکان درمان آسیب‌های شدید و در برخی مواقع غیر قابل برگشت ورزشی را به وجود آورده است. اخیراً پژوهشگران

---

۱. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می‌خوانند. چگونه فکر می‌کنند؟ خدا بکشد آنها را، ... چه بسا شخصی تمام پیش‌آمدهای آینده را می‌داند و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد؛ ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست ...». (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۱: خطبه ۴۱) ایشان در حکمت ۳۲۷ می‌فرماید: «الغالب بالشر مغلوب؛ آن کسی که با بدی پیروز شد، شکست خورده است.» در موردی دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ لَأَكْرَاهِيَهُ الْعُدْرُ كُنْتُ مِنْ أَذْهِي النَّاسِ ...؛ اگر عذر (نیرنگ) را ناپسند نمی‌دانستیم، زیرک‌ترین مردم بودم.» (همان، خطبه ۲۰۰)

۲. اهداف چهارگانه جنبش المپیک عبارتند از: ۱. ترویج و پرورش ویژگی‌های اخلاقی و جسمانی که اساس ورزش است؛ ۲. تعلیم و تربیت جوانان از طریق ورزش با هدف ساختن دنیایی سرشار از صلح و دوستی؛ ۳. انتشار و ترویج اصول المپیک در سراسر جهان جهت صلح جهانی؛ ۴. گرد آوردن ورزشکاران جهان هر چهار سال یک‌بار، در جشنواره‌هایی به نام بازی‌های المپیک. (سیدباقری، ۱۳۸۷، سایت آکادمی المپیک)

ژن‌درمانی توانسته‌اند از طریق تزریق فاکتورهای رشد به بافت‌های آسیب‌دیده به درمان آنها کمک زیادی بکنند. (فلاحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۴)

شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور، ورزشکاران نیز برای درمان آسیب‌های ورزشی خود از تکنولوژی ژن‌درمانی استفاده کنند. علاوه بر اینکه این روش برای برطرف کردن یا کاهش درد نیز مورد توجه است.

ژن اندروفین و انکفالین عوامل مسدودکننده درد را بیان می‌کنند. این عوامل با مسدود کردن گیرنده‌های درد، سطح تحمل فرد را افزایش می‌دهند و باعث تسکین درد می‌شوند. (همان: ۴۸)

اگر استفاده از ژن‌درمانی تنها محدود به درمان دردهای لاعلاج یا برای برطرف کردن درد و کاهش دادن درد باشد، به نظر می‌رسد مشکلی در بین باشد؛ اما این احتمال نیز وجود دارد که به بهانه استفاده از این تکنولوژی سعی شود تا عملکرد ورزشی ورزشکاران ارتقا یابد و کشورها از این روش برای کسب مدال‌های بیشتر بهره ببرند که این با هدف ورزش و رقابت‌های ورزشی ناسازگار خواهد بود. علاوه بر این ممکن است استفاده از این روش‌ها خطراتی را برای ورزشکاران نیز در پی داشته باشد. نکته دیگر آنکه، استفاده از این ژن‌ها برای کاهش یا برطرف کردن درد هنوز در مراحل ابتدایی است. (همان)

۵. با استفاده از مواد نیروزا و جبران شدن میزان پروتئین و ویتامین بدن، استقامت ورزشکار بیشتر می‌شود، سوءتغذیه درمان می‌شود، افراد دیرتر خسته می‌شوند، و سوخت‌وساز بدن (متابولسیم) افزایش می‌یابد. برخی در دفاع از این ایده گفته‌اند: ورزشکاری که چندین ساعت تمرین می‌کند، لازم است سوخت‌وساز وی تأمین گردد. حال آیا این امر تنها با خوردن انواع غذاهای متنوع و رنگارنگ میسر است؟ البته تأمین کلیه نیازهای متابولیکی بدن از طریق مصرف غذاهای پروتئین‌دار و انواع میوه‌ها امکان‌پذیر است؛ ولی آیا همه افراد و ورزشکاران توانایی تهیه یک غذای گران‌قیمت را دارند و از سوی دیگر، هر نوع مواد غذایی برای رفع احتیاجات فیزیولوژیک بدن که میزان آن هنگام ورزش و فعالیت بالا می‌رود، کافی است؟ پاسخ منفی است. (حبیبی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۳ - ۱۲)

مدافعان می‌گویند: این مواد موجب بازسازی ذخائر انرژی بدن می‌شوند و انرژی موردنیاز ورزشکار را در طول تمرینات سنگین تأمین می‌کنند. برای نمونه، هر قرص «آمینو ۱۷۰۰» که از سفیده تخم‌مرغ تهیه می‌شود، بیش از ۱۵۰۰ میلی‌گرم اسید آمینه وارد بدن می‌کند. کار اصلی این اسیدهای آمینه، ساخت توده عضلانی و افزایش وزن بدون چربی است.

برخی معتقدند ژن عامل رشد با گسترش دادن شبکه عروقی محیطی می‌تواند باعث افزایش خون‌رسانی به بافت‌ها و بهتر کار کردن قلب، ریه و بخش‌های دیگر بدن شود. همه این عوامل باعث به

تعویق افتادن خستگی و افزایش استقامت فرد می‌شوند. (فلاحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۸)

به نظر می‌رسد تمامی این دلایل ادعاهایی است که باید به‌طور علمی اثبات شوند. اگر همه ورزشکاران بتوانند به‌طور مساوی از مواد نیروزا استفاده کنند و از نظر جسمی نیز استفاده از این مواد بی‌ضرر باشد، شاید بتوان گفت از نظر اخلاقی نیز مشکلی وجود ندارد؛ اما به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد. مواد نیروزا نیز منحصر به «آمینو ۱۷۰۰» و موارد مشابه آن نیست. اگر استفاده از مواد نیروزا مجاز شمرده شود، بسیاری از ورزشکاران از هر وسیله‌ای برای افزایش کارایی خویش استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که با مصرف مواد غذایی معمولی و میوه‌جات و سبزیجات که در دسترس عموم ورزشکاران قرار دارند، تمامی نیازهای متابولیکی بدن برطرف می‌شود و نیازی به مصرف مواد نیروزا که در بسیاری از موارد با خطرات بسیار زیادی همراه است، نخواهد بود.

۶. در برخی از موارد، استفاده نکردن از مواد نیروزا مساوی با بی‌عدالتی است. برخی از ورزشکاران معتقدند تنها با استفاده از مکمل‌ها می‌توان در شرایط یکسان برای رقابت قرار گرفت. وقتی همه یا بیشتر ورزشکاران از این مواد استفاده می‌کنند، استفاده از آن منعی ندارد. نویسنده کتاب *اربابان پشت پرده المپیک* با اشاره به یک ضیافت رسمی ورزشی در اروپای غربی می‌نویسد: «در آن ضیافت بود که ما رفته‌رفته به این وقایع پی بردیم که چگونه استفاده از مواد نیروزا مورد قبول واقع شده است ...» (ویوسیمسون، بی‌تا: ۳۲۶)

به نظر براون (یکی از مدافعان دوپینگ) در تمامی ورزش‌ها بی‌عدالتی در انواع مختلف یافت می‌شود. برای نمونه، آیا این بی‌عدالتی نیست که فردی با جثه‌ای معمولی، حریفی در بسکتبال داشته باشد که قدش دو متر و سیزده سانتی‌متر است؟ اگر حریف من که در «فلوریدا» بزرگ شده‌ام، در مسابقات اسکی از منطقه برفی «مونت» بیاید چه؟» (هایلند، بی‌تا)

در پاسخ باید گفت اولاً: وجود تفاوت‌های خدادادی در افراد سبب نمی‌شود که افراد ضعیف‌تر با توسل به روش‌های نادرست، توان خویش را بالاتر ببرند؛ ثانیاً: اگر به‌فرض به افراد اجازه داده شود که دوپینگ کنند، آیا در این صورت فقط افراد ضعیف از این روش استفاده می‌کنند؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد.

۷. استفاده نکردن از مواد نیروزا با آزادی (اختیار) افراد مخالف است. با توجه به اینکه افراد آزاد آفریده شده‌اند، اصل آزادی به آنها این اجازه را می‌دهد، وگرنه این حق آنها زائل می‌شود.

تیتزل به‌رغم آنکه دوپینگ را به‌لحاظ اخلاقی تقبیح می‌کند، درباره صحت روش‌های آزمایش دوپینگ به‌دلیل تعارضش (تعارض دوپینگ) با اصل آزادی افراد تردید می‌کند. (ندایی و علوی، ۱۳۸۷: ۲۰۵)

در پاسخ باید گفت: هیچ‌کس منکر آزادی انسان‌ها نیست و همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و آزاد

زندگی می‌کنند؛ اما آیا اصل آزادی به انسان‌ها اجازه می‌دهد از هر روشی برای غلبه بر حریفان خویش بهره ببرند؟ آیا این آزادی با حقوق دیگران در تعارض نیست؟ آیا جلوگیری از تقلب افراد با اصل آزادی آنها مخالف است؟ آیا به بهانه آزادی، انسان‌ها مجاز هستند با مصرف مواد نیروزا و خطرناک به جسم خویش که امانتی الهی است، آسیب برسانند؟

در پاسخی کلی‌تر به همه این موارد باید گفت: بسیاری از این استدلال‌ها بُعد اخلاقی مسئله را نادیده می‌گیرند. دوپینگ نیز همانند دیگر شیوه‌های تقلب، به تقویت موقتی قدرت جسمانی افراد می‌انجامد که به این ترتیب مغایر با روح ورزش است؛ چراکه ورزشکاران دیگر، قادر نخواهند بود با تلاش طبیعی خود بر دیگر رقبا فائق آیند. این عمل با ارزانی کردن برتری نامشروع به یکی از رقبای، ابتدایی‌ترین قوانین مسابقه را نقض می‌کند. دوپینگ زمینه‌های تباهی روحی و جسمی ورزشکار را فراهم می‌کند، تعادل روانی فرد را به هم می‌زند، ذهنیت جامعه را نسبت به افراد خدشه‌دار می‌سازد و چهره ورزش را ملوث کرده، سایه شوم خود را بر مسابقات می‌افکند.

### دیدگاه اسلام در برخورد با دوپینگ

در طرح ادله موافقان دوپینگ، نیم‌نگاهی هم به نقد ادله ایشان صورت گرفت. در این بخش تلاش می‌شود با مطرح کردن برخی از اصول اسلامی، دیدگاه اسلام در این زمینه واکاوی گردد. بدون شک دیدگاه اسلام در خصوص استفاده از مواد نیروزا (دوپینگ) با دیدگاه‌های موافقان دوپینگ در تضاد است. در اسلام همواره بر اصولی عقلی و شرعی تکیه شده که موانعی جدی برای استفاده از مواد نیروزا محسوب می‌شوند و ادله موافقان دوپینگ را به چالش کشیده، بر نادرستی استفاده از این روش تأکید دارند. این اصول عبارتند از:

#### ۱. اصل عدم اضرار به نفس

در قرآن کریم و در روایات اسلامی بر این مطلب تأکید شده که هیچ‌کس حق ندارد موجبات اضرار به خویش را در جهات مختلف مالی، جانی و عرضی فراهم کند.<sup>۱</sup> اسلام پیروان خویش را از افکندن خویش در گرداب هلاکت نهی کرده است. در سوره بقره آمده است: «با دست خویش، خودتان را به هلاکت نیفکنید.»<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد براساس این آیه، تحقق هر گونه فعلی از ناحیه مکلف که موجب از بین رفتن توان و قدرت او گردد و به عبارت دیگر، هر نوع عملی که از نظر عرف غالباً زمینه نابودی توانایی‌ها

۱. در نوشتار حاضر تنها به «اضرار به نفس» از جهت «جانی» تأکید شده است.

۲. وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ. (بقره / ۱۹۵)

را فراهم می‌آورد، مشمول نهی و تحریم قرار گرفته است. همچنین در روایات فراوانی که به روایات «لاضرر» مشهورند<sup>۱</sup>، از وارد کردن هر نوع ضرر و نقص و کاستی (بر خود یا دیگران) نهی شده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

خداوند هیچ نوع خوردنی و نوشیدنی را مباح نکرده، مگر اینکه در آن منفعت و صلاحی باشد و چیزی را حرام نکرده، مگر اینکه در آن ضرر و فساد باشد.

در پایان حدیث به قاعده‌ای کلی اشاره دارد که «هر چیز مضرى که توانایی انسان را بگیرد یا موجب نابودی فردی شود، حرام است»<sup>۲</sup>.

به همین جهت، برخی از علما در مسئله حرمت اضرار به نفس مدعی اجماع شده‌اند و اصل کلی را درباره چیزهایی که بر بدن ضرر وارد می‌کند، حرمت دانسته‌اند.<sup>۳</sup> هر انسان عاقلی نیز حکم می‌کند که نباید موجبات ضرر بر خویش را فراهم کرد. براساس همین حکم عقلی نیز برخی از فقها به وجوب دفع هر نوع ضرری از نفس حکم کرده‌اند.<sup>۴</sup> بنابراین براساس ملازمه‌ای که بین عقل و شرع وجود دارد، (سیدمصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۶۸) می‌توان بر حرمت اضرار به نفس حکم داد.<sup>۵</sup> در اسلام حتی اعمال عبادی نیز در صورت داشتن ضرر جسمی باید ترک شوند.<sup>۶</sup>

بدون شک استفاده از مواد نیروزا موجب عوارض جسمی فراوانی می‌شود. استفاده از این مواد خطرات بسیار زیادی دارد که به صورت مختصر به آنها اشاره می‌شود: اختلالات کبدی، کاهش تولید اسپرم، (سرلک و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۰) اختلالات کلیوی و کاهش شدید نیروی جنسی، (حبیبی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۳) افزایش حجم خون و ازدیاد فشار خون، بی‌نظمی ریتم (ضربان) قلب، تغییر ابعاد قلب و سگته مغزی، (گودرزی، ۱۳۷۸: ۲۵) خطر مرگ و همچنین عفونت باکتریایی شدید در دوپینگ خونی، (میری، بی‌تا) ورود ویروس هپاتیت و آنفلوآنزا به بدن به‌همراه تزریق خون، احتمال ابتلا به بیماری ایدز و خطر خونریزی. (حبیبی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۶) در دوپینگ ژنی، خطراتی همچون بزرگ شدن غیر طبیعی عضله‌ها، تولید بیش از حد گلبول‌های

۱. از جمله حدیث مشهور رسول خدا صلی الله علیه و آله: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ الف: ۳ / ۴۴۰)

۲. ... و كُلُّ مُضِرٍّ يَذْهَبُ بِالْقُوَّةِ أَوْ قَاتِلٍ فَحَرَامٌ. (علی بن بابویه، ۱۴۰۶: ۲۵۴)

۳. الأصل فی الأشياء الضارة بالبدن الحرمة فإنها محرمة كلها بجميع أصنافها ... للاجماع المنقول و المحقق. (نراقی، ۱۴۱۸: ۱۵)

۴. وجوب دفع المضار عن النفس عقلاً. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۱۴۷؛ حلی، ۱۴۱۰: ۱۲۵)

۵. الاضرار بالنفس حرام. (حکیم، ۱۴۰۴: ۱۰ / ۱۸۳) شیخ انصاری می‌نویسد: «قد استفيد من الادلة العقلية و النقلية تحريم

الاضرار بالنفس؛ از ادله عقلی و نقلی حرمت اضرار به نفس استفاده می‌شود.» (شیخ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۶)

۶. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «كلما أضر به الصوم، فالإفطار له واجب؛ هرگاه روزه ضرر دارد، افطار کردن واجب است.» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۳۳)

خونی، غلظت خون و در نهایت سکتته قلبی، دچار شدن به حساسیت شدید یا شوک به دلیل حساسیت به ناقل‌ها وجود دارد. استفاده از استروئیدها علاوه بر عوارض بد جسمی، موجب اختلال رفتاری و ظهور رفتارهای خشن می‌شود. (سرلک و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۰) افسردگی، (حبیبی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۳) اضطراب، بی‌ثباتی عاطفی، اختلالات شخصیتی، وابستگی روانی به دارو و بی‌خوابی (گودرزی، ۱۳۷۸: ۲۳) از دیگر خطرات استفاده از مواد نیروزا می‌باشد. در سال ۱۹۷۳ آندرسون، قهرمان دانمارکی پرتاب دیسک، خود را از بالای کلیسای بزرگ «ویبورگ» به زیر انداخت. او قبلاً به علت مصرف زیاد قرص‌های «فراسازنده» تحت درمان روان‌پزشکی بود. (همان: ۲۳)

در زنان علاوه بر مواردی که ذکر شد، استفاده از مواد نیروزا سبب تاسی، نازایی، بروز علائم مردانگی، (فلاحی، بی‌تا) کلفت شدن صدا و تأثیر در شیردهی (گروه تحقیقاتی مدیا اسکوپ، ۱۳۸۴) می‌شود. به نظر می‌رسد از نظر اخلاقی نیز اینکه فرد برای یک لذت زودگذر دنیوی به جسم خویش آسیب برساند، مذموم باشد. به همین جهت از منظر دینی «اضرار به نفس» تقبیح شده است. بنابراین اصل عدم اضرار به نفس که در اسلام به آن توجه ویژه‌ای شده است، مانع استفاده از مواد نیروزا برای افزایش کارایی، رفع خستگی، ساخت توده‌های عضلانی و ... است.

## ۲. اصل حرمت غش و تقلب

غش در لغت، نقیض نصح (خیرخواهی و اخلاص) و به معنای فریب آمده است. (ابن منظور، بی‌تا: ۱ / ۵۱۱) غش و فریب به‌عنوان عملی ناشایست و ضد اخلاقی از منظر عقل و شرع مورد پذیرش نیست. رسول گرامی اسلام ﷺ کسی را که اهل غش باشد، از زمره مسلمانان خارج دانسته است.<sup>۱</sup> آن حضرت در روایتی دیگر می‌فرماید: «یک فرد مسلمان اهل مکر و خدعه نیست. من از جبرئیل شنیدم که (اهل مکر و خدیه) در آتش هستند.»<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام نیز از غش و فریب نهی کرده است.<sup>۳</sup> باید به این نکته توجه داشت که غش به معنای «کتمان عیب خفی»، (شیخ انصاری، ۱۴۳۰: ۵ / ۳۳۶) هرچند بیشتر در معاملات کاربرد دارد، در ورزش نیز اگر کسی عیب «توانایی کمتر نسبت به رقیب» را از طریق دوپینگ جبران کند، در حقیقت مرتکب غش شده است. به دیگر سخن، حرمت غش به صورت مطلق است، چه در معامله باشد چه در غیر معامله.<sup>۴</sup>

۱. من غش الناس فلیس بمسلم. (شیخ صدوق، ۱۳۶۸: ۲۸۴)

۲. مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمْكُرُ وَلَا يَخْدَعُ - فَأَيُّ سَمِعْتُ جِبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ الْمَكْرُ وَالْخَدِيْعَةُ فِي النَّارِ. (شیخ صدوق، ۱۴۱۷: ۳۴۴)

۳. ایاک و الغش ... (کلینی، ۱۳۶۷: ۵ / ۱۶۰)

۴. ... سواء كان في المعاملة او في غيرها. (خویی، بی‌تا: ۱ / ۴۷۱)



اصل حرمت غش و تقلب که در اسلام بر آن تأکید شده است، مانع استفاده از روش‌های فریب‌کارانه همانند دوپینگ برای کسب پیروزی است. همین اصل می‌گوید از نظر اسلام، تقلب دیگران مجوز تقلب من در استفاده از مواد نیروزا نمی‌شود. این اصل همچنین اشاره دارد که اختلافات جسمی نمی‌تواند مسبب دوپینگ افراد برای جبران نقیصه جسمی شود؛ علاوه بر اینکه جلوی اصل آزادی برای انجام دوپینگ را می‌گیرد و به تعبیری حاکم بر آن است.

علاوه بر این، دوپینگ نوعی فریب است و با روحیه جوانمردی که یک اصل مهم در ورزش شناخته می‌شود، (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۲۳) ناسازگار است. مراجع تقلید نیز به نادرستی این روش اشاره کرده‌اند و بیشتر به احتمال مخالفت این‌گونه امور با قوانین و مقررات و نیز جنبه غیر اخلاقی و متقابلانه و تضییع حق دیگران در استفاده از این امور اشاره دارند. علاوه بر این، جنبه مضر بودن استفاده از این روش نیز مورد توجه ایشان است. در پایان مقاله به برخی از فتاوا در این خصوص اشاره خواهد شد.

### ۳. اصل صداقت و راست‌گویی

در دین اسلام بر صداقت و راست‌گویی بسیار تأکید شده است. قرآن کریم به همراهی با راست‌گویان سفارش کرده<sup>۱</sup> و صداقت را عامل نجات در روز قیامت دانسته است.<sup>۲</sup> پیشوایان دینی نیز صداقت و راستی را هدایت‌گر به سوی خوبی‌ها و بهشت،<sup>۳</sup> عامل آرامش و سعادت،<sup>۴</sup> عملی مبارک،<sup>۵</sup> ملاک دین‌داری،<sup>۶</sup> نشانه ایمان<sup>۷</sup> و عامل نجات<sup>۸</sup> دانسته و از دروغ‌گویی نهی کرده‌اند.<sup>۹</sup> از طرفی عقل نیز بر «صداقت» به‌عنوان عملی اخلاقی تأکید دارد. شاید به همین جهت است که دولت‌ها و مقامات و ورزشکاران در هر سطحی

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید. (توبه / ۱۱۹)

۲. قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ خداوند می‌گوید: امروز، روزی است که راستی راستگویان به آنها سود می‌بخشد؛ برای آنها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می‌گذرد. (مائده / ۱۱۹)

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ.» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۲۸۳؛ احمد بن حنبل، بی‌تا: / ۳۸۴)

۴. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «الصدق طمأنينة و الكذب ريبة.» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۵۴۸؛ بیهقی، بی‌تا: / ۵ / ۳۳۵)

۵. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «وَاعْلَمُ أَنَّ الصَّدَقَ مَبَارَكٌ وَالْكَذِبَ مَشْهُومٌ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۴)

۶. حضرت علی ﷺ فرمودند: «شیتان هما ملاک الدین: الصدق و الیقین.» (لیثی واسطی، بی‌تا: ۲۹۸)

۷. حضرت علی ﷺ فرمودند: «الصدق أقوى دعائم الايمان.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ۱ / ۶۳۶)

۸. حضرت علی ﷺ فرمودند: «الْتَجَاةُ مَعَ الصَّدَقِ.» (همان: ۱ / ۲۸)

۹. امام حسن عسکری ﷺ در حدیثی اشاره می‌کند: «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ؛ همه بدی‌ها را در خانه‌ای گذاشته‌اند که کلید آن خانه دروغ است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹ / ۲۶۳)

درباره اهمیت صداقت در ورزش توافق دارند.

در سال ۱۹۹۳ رولند تورنکوئیست<sup>۱</sup> به مخالفت با رأی داور که به نفع او صادر شده بود، برخاست و در پاسخ از علت این کار چنین اظهار داشت که ترجیح می‌دهم از مسابقه حذف شوم، ولی ورزش خوبی داشته باشم تا اینکه فریب‌کاری کنم و مسابقه را ببرم. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۲۶ - ۴۲۵)

تمامی دوپینگ‌ها در واقع فریب دادن به حساب می‌آیند و هرچه سطح مسابقات بالاتر می‌رود، افراد تمایل بیشتری به استفاده از این داروها پیدا می‌کنند. با وجود این روش‌ها، ورزشکاران ضعیف‌النفس درصدد برمی‌آیند تا جسم خویش را تقویت کنند و خود را متفاوت با واقعیت وجودی خود نشان دهند. این امر نشانه عدم صداقت درونی و نوعی فریب‌کاری است که البته با روح ورزش نیز ناسازگار است. تقلبانه و فریب‌کارانه بودن استفاده از دوپینگ، مورد تأکید مسئولان کمیته‌های المپیک هم بوده است. (ندایی و علوی، بی تا: ۲۰۱)

بنابراین اصل صداقت که مؤید و تکمیل‌کننده اصل حرمت غش و تقلب می‌باشد، استفاده از مواد نیروزا را به چالش می‌کشد.

#### ۴. اصل ابزار بودن ورزش در اسلام

در اسلام ورزش هدف نیست؛ بلکه وسیله است؛ یعنی خود ورزش در قالب برخی از حرکات موزون نمی‌تواند هدف یک مسلمان در زندگی‌اش باشد. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، در اسلام بر ورزش به‌عنوان یک وسیله‌ای جهت تقویت و سلامتی جسمانی به‌منظور مقابله با دشمنان و متجاوزان، کمک به هموعان و ابزاری برای تقویت قوای روانی و حافظه، کسب توانایی در انجام دستورات الهی و ... تأکید شده است.<sup>۲</sup> بزرگان دینی نیز بر انجام ورزش با این هدف تأکید ورزیده‌اند.<sup>۳</sup>

بنابراین با توجه به اینکه مهم‌ترین هدف ورزش کسب سلامتی و شادابی است، هر چیزی که با این هدف در تضاد باشد، از نظر اسلام مردود است.<sup>۴</sup> دوپینگ و استفاده از مواد نیروزا با توجه به ضررهای جسمی فراوانی که دارد، با هدف ورزش همخوان نیست.

1. Roland Thornquist.

۲. مستندات این امور پیش از این بیان شد. (ر.ک به: ماهیت ورزش در اسلام)

۳. آیت‌الله خامنه‌ای ورزش را برای آحاد جامعه یک ضرورت و یک کار لازم دانسته‌اند. (ر.ک به: سایت تبیان «ورزش از دیدگاه رهبر معظم انقلاب» به نشانی [www.tebyan.net](http://www.tebyan.net))

۴. شاید به همین جهت است که ورزش‌های خطرناکی همچون مشت‌زنی و صخره‌نوردی در صورتی که خطر جدی برای حیات انسان یا عضوی از اعضای انسان داشته باشند، غیر مجاز شمرده شده‌اند.

بدون شک یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های دوپینگ کسب شهرت است و اسلام با مخالفت با این امر، دوپینگ را هم منظور دانسته است.

روح ورزش با صمیمیت و صفا، صداقت، جوانمردی، مهربانی و نوع‌دوستی همراه است. «مهم‌ترین و اثرگذارترین بُعد ورزش، تربیت و پرورش روح و جسم می‌باشد.» (ندایی و علوی، بی‌تا: ۲۰۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۲۴) در پاسخ به کسانی که معتقدند «هیچ ارزشی در ورزش به‌جز پیروزی وجود ندارد»، باید گفت: هرچند نمی‌توان انکار کرد که پیروزی یکی از اهداف هر مسابقه است، باید توجه داشت که این تنها هدف نیست. استفاده از توانایی‌های طبیعی، لذت بردن از بازی، بالا بردن حس اتحاد، به دست آوردن آرامش، رشد و کمال فردی و به نمایش گذاشتن فضائل اخلاقی، (همان: ۴۲۱، ۴۲۶ - ۴۲۵) نیز اهمیت بالایی دارند. در واقع پیروزی را باید یکی از ارزش‌های ورزش بدانیم که باید به‌درستی در کنار ارزش‌های دیگر جای بگیرد.

##### ۵. اصل رعایت عدالت

در همه ادیان آسمانی به عنصر عدالت توجه شده و قرآن کریم از آن به‌عنوان اصلی‌ترین هدف انبیا یاد کرده است.<sup>۱</sup> ۲۹ آیه از آیات قرآن مستقیماً درباره عدالت نازل شده‌اند و حدود ۲۹۰ آیه دیگر هم در مورد ظلم - که ضد عدالت است - نازل شده که نشان‌دهنده اهمیت این مسئله در اسلام است. استفاده از دوپینگ با عدالت - که به معنای اعطای حق به صاحب حق است - (خوانساری، ۱۴۰۵: ۴ / ۴۲۷) سازگاری ندارد. یکی از ویژگی‌های مهمی که برای شکل ایدئال ورزش به آن اشاره شده، «قاعده‌مند» بودن آن می‌باشد. در این زمینه، یکی از قواعد، قاعده نزاکت و بازی منصفانه است.<sup>۲</sup>

استفاده از دوپینگ، قواعد نزاکت و بازی منصفانه را به هم می‌ریزد و سبب فراهم شدن محیطی نابرابر در ورزش می‌شود. استفاده از این روش، توانایی ورزشکار را به‌طور ناعادلانه و غیر اخلاقی بالا می‌برد (فلاحی و دیگران، بی‌تا: ۵۰) و موجب تضییع حقوق دیگران می‌شود. دوپینگ به‌علت ایجاد برتری غیر منصفانه در صحنه ورزش برخلاف مقررات جاری سازمان‌های اجرایی ورزش می‌باشد و ارتکاب آن جرم شناخته می‌شود<sup>۳</sup> و از لحاظ اخلاقی هم درست نیست. استفاده‌کنندگان از این روش، حقوق دیگران را رعایت نمی‌کنند و دستیابی آنها به جوایز و ... در حقیقت نوعی تضییع حقوق دیگران نیز محسوب می‌شود.

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (حدید / ۲۵)

۲. این قواعد منعکس‌کننده معیارهای اصیل اخلاقی هستند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۲۳ - ۴۲۲)

۳. سایت پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکان ایران. به نشانی: [www.irteb.com](http://www.irteb.com)

#### ۶. اصل حفظ حرمت و شأن

در دین اسلام بر این نکته تأکید شده که افراد نباید مرتکب اقدامی بشوند که شأن، جایگاه و منزلت اجتماعی آنان متزلزل شود: «مؤمن حق ندارد عرض و شرافت اجتماعی خود را لکه‌دار کند.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳ / ۸۴)

همان‌گونه که در نگاه اسلام کسی حق ندارد آبروی دیگران را بریزد<sup>۱</sup> و شأن و اعتبار و حیثیت آنان را خدشه‌دار کند، خود افراد نیز موظفند حیث و آبروی خویش را حفظ کنند. قرآن کریم انسان‌ها را برخوردار از کرامت ذاتی می‌داند<sup>۲</sup> و حرمت مؤمن از حرمت کعبه نیز بالاتر معرفی شده است.<sup>۳</sup> به همین جهت سفارش شده است که هیچ‌گاه خود را در معرض اتهام قرار ندهید.<sup>۴</sup> رسول گرامی اسلام در حدیثی سفارش می‌کند که با اموالتان از اعراضتان محافظت کنید<sup>۵</sup> و در حدیث دیگری تأکید دارد که هیچ‌کس حق ندارد آبروی کسی را ببرد و پرده‌داری کند.<sup>۶</sup> بدون شک استفاده از مواد نیروزا با توجه به اینکه نوعی تقلب و فریب‌کاری محسوب می‌شود، با رسوا شدن استفاده‌کنندگان از این روش، در حقیقت افراد جایگاه و منزلت اجتماعی خویش را خدشه‌دار کرده‌اند و آبروی آنان در میان دوستان و آشنایان و در مواردی در میان تمام مردم خواهد رفت. از طرفی گاهی استفاده از مواد نیروزا وجهه یک کشور را لکه‌دار می‌کند و البته آثار سوء حقوقی نیز در پی دارد. آیا از نظر اخلاقی درست است که ورزشکاران با استفاده از دوپینگ، وجهه بین‌المللی کشور خویش را خدشه‌دار کنند؟

#### فناوای مراجع

پاسخ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره استفاده از انواع روش‌های دوپینگ چنین است:

ملاک در این‌گونه امور، قانون و مقررات مربوطه می‌باشد و باید طبق قانون عمل شود. (دفتر آیت‌الله خامنه‌ای، شماره نامه ۱۴۸۵۱۶)

آیت‌الله مکارم نیز معتقد است:

هر گونه اقدامی که در ورزش جزء تقلب محسوب شود، ممنوع است؛ اما برای تقویت در

۱. عرض المؤمن کدمیه. (جوهری، بی تا: ۳۴ / ۹)

۲. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم، (اسراء / ۷۰)

۳. امام صادق علیه السلام فرموده است: «لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ.» (شیخ صدوق، ۱۴۳۰: ۲۷)

۴. اتقوا من مواضع التَّهْمِ. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۸۴)

۵. قوا بأموالکم عن أعراضکم. (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۶۰۲)

۶. لا تخرقن علی أحد سترأ. (همان: ۶۶۶)

غیر مسابقات ورزشی، استفاده از اموری که ضرر ندارد، اشکال ندارد. (دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی، شماره نامه ۶۹۳۵۴)

آیت‌الله خامنه‌ای در جواب این سؤال که «نظر جناب‌عالی در خصوص دوپینگ، خصوصاً دوپینگ ژنتیکی و خونی که بعضاً برای درمان استفاده می‌شود و ممکن است برای ورزشکاران نیروزا هم باشد، چیست؟» می‌فرماید:

اگر به نحوی باشد که دارای ضرر قابل توجهی بر بدن نگردد و منع قانونی نیز در میان نباشد، اشکال ندارد. (سایت آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء شماره ۱۲۲۱۹۲)

پاسخ آیت‌الله موسوی اردبیلی:

چنانچه دارای ضرر معتدبه برای افراد مصرف‌کننده باشد و یا استفاده از آنها خلاف مقررات باشد، جایز نیست. (سایت آیت‌الله موسوی اردبیلی، شماره سؤال، ۴۴۹۶)

پاسخ آیت‌الله مکارم:

چنانچه برخلاف مقررت باشد و موجب تضییع حق دیگران گردد، جایز نیست. (سایت آیت‌الله مکارم شیرازی، بخش استفتائات)

پاسخ آیت‌الله سیستانی:

به‌طور کلی اگر استفاده از چیزی که ضرر مهمی به او می‌رساند، خواه آن ضرر مهم حتمی باشد و یا احتمالی باشد که از آن نزد عقلا ترس حاصل می‌شود، استفاده آن حرام است و در غیر آن صورت فی‌حد ذاته حرام نیست، مگر طبق قرارداد متعهد به ترک آن باشد. (سایت آیت‌الله سیستانی، بخش استفتائات)

### نتیجه

دوپینگ اغلب نوعی تقلب و فریب‌کاری می‌باشد و همه کسانی که از این روش برای افزایش کارایی استفاده می‌کنند، علاوه بر تضییع حق دیگران، توان خویش را به صورت غیر واقعی بالا می‌برند. استفاده از روش‌های دوپینگ، علاوه بر ضررهای جسمی و روحی فراوان، با هدف و روح ورزش که همراه با جوانمردی و صداقت و به‌طور خلاصه پرورش جسم و روح است، در تضاد می‌باشد. منافع ظاهری و کوتاه‌مدت این روش‌ها نباید در برابر مضرات آنها رنگ ببازد. ورزشکاران که الگوهای اخلاقی و بسیار مورد توجه هستند، نباید برای کسب شهرت و عنوان و مدال، همه‌چیز (حتی اخلاق و سلامتی) را زیر پا

بگذارند. در دین مبین اسلام با تکیه بر اصولی چون ابزار بودن ورزش (نه هدف بودن آن)، عدم اضرار به نفس، حرمت غش و تقلب، لزوم صداقت و راست‌گویی، رعایت عدالت و انصاف و لزوم حفظ حرمت و شأن افراد، استفاده از دوپینگ نهی شده است.

در خصوص دوپینگ ژنتیکی باید گفت: اگر این روش با هدف افزایش توانایی ورزشکار و کسب پیروزی در رقابت‌ها انجام شود، مغایر با ارزش‌های اخلاقی و حقوق اجتماعی در ورزش است و باید ممنوع شود؛ اما اگر استفاده از این روش صرفاً جهت بهبودی آسیب‌های ورزشی و برطرف کردن و یا کاهش دادن درد باشد، به نظر می‌رسد منعی نداشته باشد؛ هرچند ممکن است به بهانه درمان یا کاهش درد، از این روش نیز سوءاستفاده شود. امروزه با توجه به کامل نبودن این روش و خطرات بالقوه‌ای که در آن است، باید جلوی آن گرفته شود. شاید در آینده به دلیل استفاده‌های مفید این روش، تبصره‌هایی بر این موضوع در نظر گرفته شود. که البته این امر هنوز تحقق نیافته است.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. مفاتیح الجنان.
۳. نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی قم، نشر الهادی.
۴. نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، تهران، دنیای دانش، چ چهارم.
۵. آذربانی، احمد و رضا کلانتری، ۱۳۸۸، اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش، تهران، آیز، چ چهارم.
۶. آقاپور، سید مهدی، ۱۳۶۸، جامعه‌شناسی ورزشی، بی‌جا، سازمان تربیت بدنی.
۷. ابن حبان، محمد بن احمد، ۱۴۱۴ ق، صحیح ابن حبان، بی‌جا، مؤسسة الرسالة، چ دوم.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چ دوم.
۹. ابن منظور، بی‌تا، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چ سوم.
۱۰. احمد بن حنبل، بی‌تا، مسند احمد، بیروت، دار صادر.
۱۱. امام خمینی، ۱۳۸۶، صحیفه نور، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۱۲. بهار، غلامرضا، ۱۳۸۴، اصول و مبانی تربیت بدنی و ورزش، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، چ اول.
۱۳. بیهقی، بی‌تا، السنن الکبری، بیروت، دار الفکر.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۸، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم.

۱۵. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، *اخلاق کاربردی چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. حامدی‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۴، «بررسی شیوع استفاده از مکمل‌ها نگرش به این مواد و عارضه‌های جانبی آنها در اندام پرورهای شهرستان سبزوار»، *مجله المپیک*، شماره ۳۱.
۱۷. حبیبی‌نیا، اباذر، ۱۳۸۲، *دوپینگ و داروهای محرک در ورزش*، تهران، المپیک.
۱۸. حکیم، سید محسن، ۱۴۰۴ ق، *مستمسک العروة*، قم، مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۹. حلی، ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ ق، *السرائر*، قم، جامعه مدرسین، چ دوم.
۲۰. الخولی، امین انور، ۱۳۸۱، *الریاضة و المجتمع و ورزش و جامعه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران، سمت.
۲۱. خوانساری، ۱۴۰۵ ق، *جامع المدارک*، قم، اسماعیلیان، چ دوم.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم، بی‌تا، *مصباح الفقاهة*، قم، مکتبه دآوری، چ اول.
۲۳. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول.
۲۴. رادمرد، امیررضا، «تاریخچه دوپینگ و کنترل آن در ورزش» سایت آفتاب: [www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)
۲۵. رولر، جک، ۱۳۸۶، «ورزشکاران جوان و مکمل‌ها»، ترجمه فرهاد شاکری، *مجله رشد آموزش و تربیت بدنی*، شماره ۲۳.
۲۶. سایت پایگاه اطلاع رسانی پزشکان ایران. به نشانی: [www.irteb.com](http://www.irteb.com)
۲۷. سرلک و دیگران، بهار ۱۳۸۶، «آگاهی پزشکان و دانشجویان گروه پزشکی درباره دوپینگ و مصرف مواد نیروزا در ورزش»، *مجله حرکت*، شماره ۳۱
۲۸. سیدباقری، سید احمد، ۱۳۸۷، «آشنایی با تاریخ المپیک و آئین المپیزم» سایت کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، [www.olampic.ir](http://www.olampic.ir)
۲۹. شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، *القضاء و الشهادات*، قم، کنگره جهانی شیخ انصاری، چ اول.
۳۰. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۴ ق، *رسائل فقهیه*، قم، بی‌نا، چ اول.
۳۱. \_\_\_\_\_، ۱۴۳۰ ق، *المکاسب*، بی‌جا، مؤسسه باقری، چ اول.
۳۲. شیخ صدوق، ۱۴۱۷ ق، *الأمالی*، قم، مؤسسه البعثة، چ اول.
۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۴۳۰ ق، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
۳۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۸، *ثواب الاعمال*، قم، مشورات الرضی، چ دوم.
۳۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۴، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، چ دوم.
۳۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق الف، *خلاف*، قم، جامعه مدرسین.

۳۷. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۰ ق، *الاقتصاد*، تهران، مکتبه جامع چهلستون.
۳۸. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۱ ق ب، *مصباح المتعجد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، چ اول.
۳۹. علی بن بابویه، ۱۴۰۶ ق، *فقه الرضا* علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، چ اول.
۴۰. فلاحی، علی اصغر و دیگران، ۱۳۸۶، «دوپینگ ژنتیکی و ملاحظیات اخلاقی آن»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
۴۱. کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۴۰۳ ق، *المصباح*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ سوم.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۷، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. گروه تحقیقاتی مدیا اسکوپ، ۱۳۸۴ «در آرزوی بدن‌هایی با عضلات آرمانی»، *مجله اسفند*، شماره ۳۲.
۴۴. گودرزی، محمود، ۱۳۷۸، «استفاده ناصواب از داروها در ورزش»، *مجله حرکت*، شماره ۱.
۴۵. لیشی واسطی، علی بن حکم، بی تا، *عیون الواعظ و الحکم*، بی جا، دار الحدیث، چ اول.
۴۶. ماکیاولی، نیکولو، ۱۳۷۵، *شهریار*، ترجمه داریوش آشوری، تهران، نشر مرکز.
۴۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۴۸. مصطفوی، سید محمد کاظم، ۱۴۱۷ ق، *مائة قاعدة فقهیه*، قم، جامعه مدرسین، چ سوم.
۴۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴، *کلیات علوم اسلامی*، (اصول فقه - فقه)، تهران، صدرا.
۵۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۳، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
۵۱. المتقی الهندی، علاء‌الدین علی، بی تا، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۵۲. معین، محمد، ۱۳۴۲، *فرهنگ معین*، تهران، امیر کبیر، چ پنجم.
۵۳. نجفی، محمدحسن، بی تا، *جواهر الکلام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵۴. نراقی، محقق، ۱۴۱۸ ق، *مستند الشیعة*، قم، آل‌البیت، چ اول.
۵۵. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، *مستدرک الوسائل*، بی جا، آل‌البیت علیه السلام، چ دوم.
۵۶. ویوسیمسون، آندرو جیننگز، بی تا، *اربابان پشت پرده المپیک*، ترجمه پرویز ختایی، تهران، قطره، چ اول.
۵۷. میری، سید حسین، ۱۳۸۴، «استفاده از داروهای غیر مجاز در ورزش»، *ضمیمه روزنامه جوان*، ش ۱۷۴۸.
۵۸. ندایی، طاهره و علوی، خلیل، ۱۳۸۷، «فلسفه اخلاق در ورزش با رویکردی منصفانه»، *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم*، سال ۱۰، شماره ۲.
۵۹. هایلند، درو، ۱۳۸۶، «فلسفه اخلاق در فوتبال، قاعده یا استثنا» نوشته ترجمه آرش حقیقی، *روزنامه اعتماد*، شماره ۱۶۰۱، صفحه ۱۶.

60. Bredemeier. B. J, And Shields. D. L., 1984, "Diverjence In Moral Reasoning about Sport And Evryday Life", *Sociology of Sport journal*, No. 1.